

تشریح مؤلفه‌های انقلابی‌گری از دیدگاه قرآن کریم و امام خامنه‌ای عنه‌السلام

فاطمه احمدی بیغش^۱

چکیده

انقلاب اسلامی، انقلابی با اصول و اهدافی روشن است که از اسلام ناب محمدی ص نشأت گرفته است. پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، نقطه پایان انقلاب نبود، بلکه آغاز مسیری برای تحقق آرمان‌های بلند آن بود. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از شیوه تحلیل گفتمان و استناد به کتب و مقالات معتبر تدوین شده است. هدف پژوهش، بررسی مؤلفه‌های انقلابی‌گری از منظر قرآن و بیانات امام خامنه‌ای عنه‌السلام است. پرسش اصلی این است که مؤلفه‌های انقلابی‌گری که موجب حفظ روحیه انقلابی و مانع دوقطبی شدن جامعه می‌شود، کدامند؟ دستاورد این پژوهش نشان می‌دهد که امام خامنه‌ای عنه‌السلام پس از رحلت حضرت امام خمینی عنه‌السلام و پذیرش مسئولیت رهبری، اموری چون پابندی به اصول اسلام ناب محمدی ص، صیانت از استقلال کشور، تقدس دینی و سیاسی، مردمی بودن و... را به عنوان مؤلفه‌های انقلابی‌گری بیان فرمودند. بنابراین، تحقیق حاضر در پی آن است که رویکردی جدید با طرح مباحث مهمی چون مؤلفه‌هایی ارائه دهد که شناخت تحلیلی و توصیفی آن‌ها، منجر به رشد فضیلت‌های اخلاقی در جامعه شود و با حفظ روحیه انقلابی، جامعه را از خطر انقلاب‌زدایی و دوقطبی شدن کاذب حفظ نماید. واژگان کلیدی: مؤلفه، امام خامنه‌ای، انقلابی‌گری، انقلابی ماندن، انقلاب‌زدایی، دوقطبی کاذب.

۱. دانش‌آموخته سطح سه تفسیر و علوم قرآن، مؤسسه آموزش عالی حوزوی حضرت عبدالعظیم حسنی عنه‌السلام، تهران، ایران

yazahra0313@yahoo.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۶/۱۷ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۹/۰۸

۱. مقدمه و طرح مسئله

عبارت «انقلابی‌گری» و «انقلابی ماندن» از روزهای نخست مبارزات انقلابی در بین مردم رایج بود و با گفته‌های امام خمینی علیه السلام در موقعیت‌های مختلف در مورد عوامل پیروزی انقلاب اسلامی و استحصال خصلت‌های شخصیت انقلابی از این افاضات، رنگ و بوی دیگری به خود گرفت تا ناهلان آن دوره به نام انقلابی بودن، دایره جاذبه نظام را بسته‌تر نکنند؛ ارعابی که گاه نظام جمهوری اسلامی را بعد از گذشت ۳۷ سال از پیروزی آن تهدید می‌کند. آنچه در سال‌های پس از پیروزی انقلاب منجر به ماندگاری و بقای آن شد، وجود نیروهای مؤمن به انقلاب است که برخلاف گذر نسلی، توانسته‌اند طراوت و روحیه انقلابی بودن را حفظ نمایند؛ زیرا حفظ انقلابی بودن، سبب انقلابی ماندن می‌شود. البته انقلابی ماندن والاتر از انقلابی بودن است؛ اما از آنجا که این نیروها با فشارهای بیرونی و مسائل درونی روبه‌رو هستند، لذا می‌توان نگرانی «انقلاب‌زدایی» را درک نمود. از یک سمت دشمنان بیرونی و عوامل داخلی سعی می‌کنند با الفاظی چون «تندرو» و «افراطی» و استفاده از نفوذ و جنگ نرم، نیروهای مؤمن به انقلاب را در جامعه منزوی کنند و از سمت دیگر غفلت شخصیت‌ها و نهادهای تأثیرگذار مانند حوزه‌های علمیه، نهادهای انقلابی در آموزش و تربیت نسل‌های آینده و حفظ این روحیات در نسل‌های قدیمی، سبب کم‌رنگ شدن نور انقلاب می‌شود و آن زمان می‌توان خطر انحراف را جدی گرفت. در این شرایط است که می‌توان اهمیت بیان امام خامنه‌ای در تأکید بر اصول «انقلابی‌گری»، «انقلابی ماندن»، «انقلابی فکر کردن» و «انقلابی عمل کردن» را به درستی درک نمود و آن را ضروری دانست.

در رابطه با پیشینه این موضوع می‌توان گفت که مؤلفه‌های انقلابی‌گری آن چنان والاست که به خودی خود موضوعیت دارد به نظر می‌رسد کتاب، یا کار تحقیق دقیقاً با این عنوان ثبت نگردیده و فقط ارتباطی جزئی با برخی کتب یا مقالات دارد. کتاب «انقلابی‌گری و نظام انقلابی در اندیشه و عمل» از سوی آقای علی مرادزاده در سال ۱۳۹۹ و مقاله‌ای با عنوان «اصول و شاخص‌های انقلابی‌گری در مدیریت با رویکرد اسلامی» توسط آقای صالح آقابابایی در سال ۱۳۹۷ و همین‌طور مقاله‌ای با عنوان «طراحی مدل الگوی مدیریت انقلابی» توسط آقای اسکندر شیرازی در سال ۱۴۰۲ تألیف شده که تنها به گوشه‌ای از مباحث مربوط به انقلابی‌گری پرداخته شده، اما به نظر می‌رسد این اولین کار تحقیقی

است که به تشریح مؤلفه‌های انقلابی‌گری از دیدگاه امام خمین‌ای (حفظه الله) می‌پردازد. در این مجال سعی شده با روش توصیفی تحلیلی به شیوه تحلیل گفتمان و گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای - اسنادی، ابتدا به پیشینه و سپس به مؤلفه‌های انقلابی‌گری پرداخته شود.

۲. مفهوم شناسی

انقلاب: انقلاب در لغت به معنای دگرگون شدن، تحول است. (دهخدا، ۱۳۴۶، ص ۴۳۱) قرآن کریم این کلمه را به همین معنی به‌کار برده است. ماده انقلاب تقلیب، منقلب، ینقلب و امثال آن در قرآن آمده است. برای مثال، در آیه ۱۴۴ سوره مبارکه آل عمران می‌فرماید: ﴿وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ﴾؛ «محمد صلی الله علیه و آله جز یک پیامبر نیست که پیش از او نیز پیغمبرانی بودند و درگذشتند، آیا اگر او به مرگ یا شهادت درگذشت شما باز به دین جاهلیت خود رجوع خواهید کرد؟ پس هر که مرتد شود به خدا ضرری نخواهد رسانید و البته خدا جزای نیک اعمال به شکرگزاران عطا کند.»

انقلاب در اصطلاح، سعی عده‌ای برای سرنگون کردن حکومت و ایجاد حکومتی تازه، به منظور تغییرات بنیادی در همه نهادها، ساختار سیاسی و اجتماعی و جایگزین نمودن سازمان نوین در چهارچوب اهداف و آرمان‌های خاص. (بادامچیان، ۱۳۷۴، ص ۱۸) انقلاب نوعی سرکشی است علیه نظم موجود و وضع حاکم، به منظور برقراری نظم و وضعی دیگر. صرف ناراضی بودن از اوضاع کافی نیست بلکه نفی حاضر لازم است. آن چنان که درخواست و سعی و جهاد برای وضعی دیگر ضروری است. تنها آن ایدئولوژی می‌تواند مفید و راهگشا باشد که عنصر نفی و طرد در متن تعلیماتش قرار داشته باشد. (مطهری، ۱۳۶۱، ص ۳۶۱) بنابراین انقلاب را می‌توان چنین تعریف کرد: تغییر بنیاد و نظام اجتماع، نوگرایی، آرمان‌خواهی خشونت سیاسی یا نظامی در مقابل نظام حاکم.

انقلابی‌گری: انقلابی‌گری یعنی آمادگی تا اموری که از اساس دچار اشکال هستند را تحولی اسلامی سازد. مثلاً ساختارهای ناسالم، روندهای ناسالم، نهادهای ناسالم، علوم ناسالم، فرهنگ ناسالم، سیاست خارجی ناسالم و... آیات قرآن درباره انقلابی‌گری مفهوم ویژه‌ای استفاده می‌نماید که بارها هم مورد تأکید قرار گرفته، مفهوم جهاد است. خداوند متعال در قرآن مجید حتی در زمانی که جنگ نباشد، دستور «جاهدوا» می‌دهد. اگر زمان بحران هم نباشد، می‌فرماید: ﴿فَصَلِّ اللَّهَ

الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِ عِزًّا أَجْرًا عَظِيمًا» (نساء: ۹۵) «آن‌هایی که در راه خدا مجاهده می‌کنند، همیشه تحسین می‌شوند و برتر قرار می‌گیرند». جهاد در قرآن به جنگ مسلحانه و رودررو محدود نمی‌گردد و معنای گسترده‌ای دارد. این‌که انسان نسبت به بسیاری از حق و باطل‌هایی که در اطرافش هست، معترض باشد. با چنین روشی مفهوم جهاد تحقق می‌یابد. مفهوم جهاد به مفهوم انقلابی‌گری نزدیک است. این آیه از قرآن کریم در وصف روحیه جهادی و انقلابی است: «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ» (حجر: ۷۸) این آیه بیانگر شعار و حس انقلابی است. نهایت انقلابی‌گری را شایستگی خداوند متعال ذکر کرده. چه کسی می‌تواند به این نهایت برسد؟ خدا با این آیه، آتش مداومی از روحیه جهادی را در دل انسان شعله‌ور می‌سازد. آتشی که می‌توان از آن به روحیه جهادی یا روحیه انقلابی یاد کرد. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۲۶۵ و مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۴۰۹)

دوقطبی کاذب: قطب‌بندی، تنها به معنای اختلاف و انتقاد گروهی به گروه دیگر نیست. قطب‌بندی زمانی ایجاد می‌شود که این اختلاف به نزاع منجر شود و با تحریک احساسات حامیان، آنان را علیه گروه دیگر تحریک کنیم. در قرآن به صراحت نفی دوقطبی‌های نامطلوب آمده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات: ۱۳) پس دوقطبی مبتنی بر نژاد، جغرافیا، تفاوت ظاهری و... ازسوی اسلام نفی شده است.

در جامعه مسلمانان مقابله با گروه‌های «برهم‌زننده امنیت»، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است که آن هم در چارچوبی مشخص شده در شرع و قانون تعریف می‌شود. امام خامنه‌ای در خصوص دسته‌بندی مرسوم «اصول‌گرا» و «اصلاح‌طلب» تلاش بر استفاده از ظرفیت این دو قشر برای رقابتی سالم جهت پیشرفت و ارتقای کشور دارند تا از ایجاد درگیری و نزاع میان افراد این دو طیف جلوگیری شود و جامعه از خطر دوقطبی کاذب مصون باشد: «دو جناح برای کشور، مثل دو بالند که کشور با این دو بال می‌تواند پرواز کند. دو جناح مقابل در مجموعه نظام می‌تواند باشد و فعالیت کند، ولی شرطش این است که به قانون اساسی پایبند باشد. این‌ها بر کار یکدیگر نظارت می‌کنند، باهم رقابت سالم دارند. بنده نزاع اصلاح‌طلب و اصول‌گرا را قبول ندارم. من این تقسیم‌بندی را غلط می‌دانم. نقطه مقابل اصول‌گرا، اصلاح‌طلب نیست. نقطه مقابل اصلاح‌طلب، اصول‌گرا نیست. نقطه مقابل اصول‌گرا، آدم بی‌اصول و لایالی است؛ آدمی که به هیچ اصولی اعتقاد ندارد. نقطه مقابل

اصلاح طلبی، افساد است. بنده معتقد به اصول‌گرای اصلاح طلبیم؛ اصول متقنی که از مبانی معرفتی اسلام برگرفته، با اصلاح روش‌ها به صورت روزبه‌روز و نوبه‌نو.» (فرمایشات امام خامنه‌ای ۱۳۸۴/۲/۱۹) ایشان این دوقطبی شکل‌گرفته را با اصطلاح «اصول‌گرایان اصلاح طلب» و «اصلاح طلبان اصول‌گرا» نفی کرده و مؤلفه انقلابی‌گری را مطرح می‌نماید.

۳. پیشینه انقلابی‌گری در تاریخ اسلام

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بزرگ‌ترین انقلابی‌گر و یک انقلابی به تمام معنا بود که به منظور ایجاد خواسته‌های جاودانه بشر یعنی آزادی، عدالت، مساوات، اخلاق، رشد و کرامت آدمیان، صلح و صفا بین انسان‌ها و برای از بین بردن شرک نظری و عملی برانگیخته شد. «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (جمعه: ۲) او در دوران کوتاه بعثت نمونه‌ای مشهور و مطلوب از جامعه اسلامی ایجاد نمود اما پس از رحلت او، میراث و راهش دچار تزلزل و پس‌از آن گرفتار انحطاط و انحراف شد. از همان اولین ساعات انحراف، عده‌ای برای جلوگیری از آن، گاه در آرامش و گاه بسیار خونین و خشن، گاه به صورت فردی و گاهی گروهی در تمام جهان اسلام و در طول چهارده قرن به انقلاب و اصلاح پرداختند، اعتراض‌های نهان و آشکار حضرت فاطمه علیها السلام و حضرت علی علیه السلام و بسیاری از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله در شروع و جنبش‌های فکری، سیاسی، انقلابی امامان در ادامه و پیدایش نهضت‌های زیدیان و اسماعیلیان و سرداران استمرار همان انقلاب عظیم اولیه است. نکته مهم اینجاست که این حرکت‌ها از همان ابتدا تحت عنوان اصلاح انجام شده و به همین جهت شخصیت بزرگ انقلاب، امام حسین علیه السلام هدف اساسی قیامش را اصلاح در دین جدش می‌داند.

استقصا در انقلاب اسلامی ایران که در سال ۱۳۵۷ شمسی به وقوع پیوست نشانگر آن است که خصلت‌های اسلامی بودن، معنویت‌گرایی، مردمی بودن و رهبری امام خمینی علیه السلام باهدف نفی استبداد و سلطه بیگانگان، نفی وابستگی، عدالت اجتماعی، «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ سَنَاَنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (مائده: ۸) ایثار و فداکاری و استقرار حکومت اسلامی بر حکومت‌های ضد دینی، فساد سیاسی اجتماعی، تبعیض و بی‌عدالتی بر رژیم طاغوت و وابسته سابق پیروز شده است. (مردی‌ها، ۱۳۸۵، ص ۳۹)

۴. اندیشه انقلابی‌گری امام خامنه‌ای، تبلور آرمان‌های انقلابی امام خمینی

تأمل امام خامنه‌ای در زمینه انقلابی‌گری و انقلابی ماندن، چون سایر زمینه‌ها برگرفته از اندیشه و آرمان‌های امام خمینی علیه السلام است که از تعالیم اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله نشأت می‌گیرد. ایشان در معرفی امام انقلابی و راه او، می‌فرمایند: امام خمینی «مؤمن متعبد انقلابی» بود چراکه امام بزرگوار، مؤمن به خدا، مؤمن به مردم، مؤمن به هدف و مؤمن به راهی بود که او را به این هدف می‌رساند. امام، «امام انقلابی» بود و همین صفت علت اصلی خشم قدرت‌های مادی از ایشان است. قدرت‌ها از کلمه انقلاب و انقلابی ماندن ملت ایران به شدت هراسانند و علت اصلی فشارهایی که در سال‌های پی‌درپی با بهانه‌های گوناگون از جمله موضوع هسته‌ای و حقوق بشر به ملت وارد شده است، خصوصیت انقلابی بودن ملت ایران و نظام اسلامی است. ﴿قُلْ إِنَّمَا أَعْطَاكُمْ

يُوحَدَةً أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَتَّىٰ وَفُرَادَىٰ﴾ (سبأ: ۴۶)

خارج شدن ایران از کنترل قدرت‌ها، نظام اسلامی را به سرمشق الهام‌بخش ملت‌ها تبدیل کرده و در اینجا مسئله اساسی این است که امام انقلابی، کشور را از بسیاری از باتلاق‌ها از جمله باتلاق وابستگی، فساد سیاسی و اخلاقی، حقارت بین‌المللی، عقب‌ماندگی علمی، اقتصادی و فناوری نجات داد و در طریق حرکت کشور و ملت، تغییری بزرگ ایجاد نمود. انقلاب و انقلابی‌گری برای همه زمان‌هاست و انقلاب یک رود جاری است و همه کسانی که براساس مؤلفه‌های انقلابی عمل کنند، انقلابی هستند حتی جوانانی که امام خمینی علیه السلام را ندیده باشند. باید توجه کرد طرز تفکری که انقلابی‌گری را مساوی افراطی بودن می‌داند و مردم را به «تندرو» و «میان‌رو» تقسیم می‌کند یکی از خطاهاست و چنین دوگانه‌ای که سوغات بیگانگان و سخن دشمن است نباید وارد فرهنگ سیاسی کشور شود. خطای دیگر در موضوع انقلابی بودن و انقلابی‌گری، انتظار داشتن یک میزان انقلابی بودن از تمام کسانی که در مسیر شاخص‌ها و جهت‌گیری‌های انقلاب حرکت می‌کنند و اصل بر این است که مؤلفه‌های انقلابی‌گری وجود داشته باشد. امکان دارد فردی نسبت به مفاهیم انقلاب و عمل انقلابی، بهتر حرکت کند و دیگری با شدت و جدیت او حرکت نکند ولی هر دو انقلابی‌اند و نمی‌توان هر فردی که در مسیر مؤلفه‌های انقلاب قرار دارد ولی خوب حرکت نمی‌کند، متهم به غیرانقلابی‌گری و ضدانقلاب بودن، کرد.» (فرمایشات امام خامنه‌ای ۱۳۹۵/۳/۱۴)

۵. مؤلفه‌های انقلابی‌گری در فرمایشات امام خمینه‌ای (ع)

امام خمینه‌ای در سخنان خود به تشریح مؤلفه‌های انقلابی‌گری پرداخته و تأکید دارند که: «این مؤلفه‌ها اگر در کسی وجود داشته باشد، قطعاً انقلابی است، حالا درجات انقلابی بودن مختلف است.»

۱-۵. پایبندی به شایستگی‌ها و اصول بنیادی انقلاب

نخستین خصلت یک شخص انقلابی که امام خمینه‌ای به آن اشاره کردند «پایبندی به شایستگی‌ها و اصول بنیادی انقلاب» است. اصول بنیادی انقلاب از نظر ایشان عبارت است از:

۱-۱-۵. التزام به اسلام ناب درمقابل اسلام آمریکایی

اعتقاد به اسلام ناب درمقابل اسلام آمریکایی، مهم‌ترین ویژگی این مؤلفه است. منظور از اسلام ناب محمدی (ص) همان اسلام حقیقی است که از پیامبر اسلام (ص) بدون هیچ زینتی به حضرت علی (ع)، سپس به ائمه اطهار (ع) بعدی رسیده و از آن بزرگواران سینه‌به‌سینه گشته تا به ما منتقل شده است. (سالاری، ۱۳۹۲، ص ۷۶)

سید قطب، نخستین شخصی بود که از اسلام آمریکایی گفت: «آمریکایی‌ها نیازمند اسلام هستند. آنان اسلامی می‌خواهند که در خاورمیانه با کمونیست مبارزه کند نه اسلامی که با استعمار و خودکامگی بجنگد. آنان اسلامی را که حکومت کند نمی‌خواهند، چراکه وقتی اسلام حکومت کند، امتی تربیت می‌کند که برای آن‌ها قدرتمند شدن و نفی استعمار واجب می‌شود چه استعمار کمونیست چه استعمار آمریکا.» (سید قطب، ۱۳۷۰، ص ۴۸) در واقع اسلام آمریکایی دوشاخه «اسلام متحجر» و «اسلام سکولار» دارد که استکبار از هر دوشاخه حمایت می‌کند. (زاهدی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۲) اولین بار امام خمینی (ع) اسلام ناب محمدی (ص) را نقطه مقابل اسلام آمریکایی بیان و این اصطلاح را وارد دریای سیاسی دنیای اسلام کردند. (بیانات امام خمینی (ع) مورخ ۶۸/۱/۱۸)

امام خمینی (ع) معرفی اشتباه اسلام را علت اصلی عقب‌ماندگی مسلمانان و مسلط شدن استعمارگران غربی در جوامع اسلامی می‌دانستند. از دید ایشان اسلام دینی جامع است که برای انسان «پیش از آن‌که نطفه‌اش منعقد شود تا پس از آن که به گور می‌رود قانون وضع کرده و همان‌طور که برای وظایف عبادی قانون دارد برای امور اجتماعی و حکومتی هم قانون دارد.» (امام

خمینی، ۱۳۸۵، ص ۵) ایشان می‌فرمایند: «باید سعی کنیم پرهیزگاری و تعبد اسلام ناب محمدی ﷺ را از زنگارهای مقدس مآب و تحجرگرایی اسلام آمریکایی جدا نموده و به مستضعفان نشان دهیم.» (صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۲۱) برای اجرای احکام اسلام به حکومت نیاز است و اعتقاد به لزوم تشکیل حکومت و مبارزه در راه آن جزئی از اعتقاد به ولایت است. (همان، ص ۱۱)

امام خامنه‌ای یکی از اصول بنیادی انقلاب را چنین برمی‌شمرند: «اصول اول، پایبندی به اسلام ناب در مقابل اسلام آمریکایی است. اسلام آمریکایی دوشاخه دارد: یک شاخه اسلام متحجر، یک شاخه اسلام سکولار؛ این اسلام آمریکایی است. استکبار و قدرت‌های مادی از هر دوشاخه (اسلام آمریکایی) حمایت می‌کنند؛ یک جایی آن را به وجود می‌آورند، یک جایی آن را راهنمایی می‌کنند، یک جایی آن را کمک می‌کنند. «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطَاؤُهُ فَأَزْرَهُ فَأَسْتَعْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا» (فتح: ۲۹) لذا برای گرفتار نشدن در دام اسلام آمریکایی باید اسلام ناب و اصیل را شناخت.» (بیانات امام خامنه‌ای ۱۳۹۵/۳/۱۴)

امام خامنه‌ای که بارها در مورد خصلت‌های اسلام حقیقی سخن گفته‌اند، در این باره می‌فرمایند: «اسلام ناب، اسلامی است همه‌جانبه، از زندگی و خلوت فردی گرفته تا تشکیل نظام اسلامی، همه را شامل می‌شود. اسلام ناب آن اسلامی است که هم تکلیف من و شما را در خانواده با خود و در خلوتمان مشخص می‌کند، هم تکلیفمان را در جامعه معلوم می‌کند، هم تکلیف ما را در قبال نظام و ایجاد نظام اسلامی معین می‌نماید، این اسلام ناب است. این یکی از اصولی است که باید به آن پایبند بود.» (بیانات امام خامنه‌ای ۱۳۸۲/۲/۲۰)

با توجه به فرمایشات ایشان، اسلامی که آتش تفرقه میان مسلمانان را دامن بزند، به جای اعتماد به وعده الهی به دشمنان خدا اعتماد کند، به جای مبارزه با صهیونیسم و استکبار با برادر مسلمان بستیزد، با آمریکای مستکبر علیه ملت خود یا ملت‌های دیگر متحد شود، اسلام نیست، نفاق مهلکی است که هر مسلمان صادقی باید با آن مبارزه کند.

۵-۲. مردمی بودن

اصلی‌ترین جنبه یک حکومت، مردمی بودن آن است که نقش حامی را اجرا می‌کند و مردم باعتبار گرفتن و شرکت در امور، نقش واقعی خود را می‌یابند. خداوند در قرآن کریم خطاب به پیامبرش می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (انفال: ۶۴) ای پیامبر! خداوند و مؤمنان که از تو پیروی می‌کنند برای حمایت تو کافی است و با کمک آنان می‌توانی به هدف خود نائل شوی. (قرائتی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۳۵۲) در روایات بسیاری یکی از معیارهای مشروعیت حکومت را، مردمی بودن آن می‌دانند. مثل روایتی از حضرت علی علیه السلام که می‌فرمایند: «پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمود: ای پسر ابیطالب! ولایت بر امت من برای تو است؛ پس اگر در سلامتی به ولایت تو راضی شدند و بر تو اجماع کردند به امور آن‌ها قیام کن؛ و اگر بر تو اختلاف کردند، پس آن‌ها را به خودشان واگذار کن تا خداوند برای تو راه خروجی قرار دهد.» (ابن طاووس، ۱۳۴۱، ص ۲۴۸)

اعتقاد عمیق به محور بودن مردم، از دیگر اصول بنیادی انقلاب اسلامی است. در نظام اسلامی، رأی، اهداف و منافع مردم اصل است و اعتقاد واقعی به این حقیقت، از الزامات انقلابی بودن است. این انقلاب را مردم به وجود آورده و استمرار بخشیده‌اند و خودشان آینده آن را رقم می‌زنند. (نشریه حکومت اسلامی، ۱۳۸۷، ش ۱، ص ۱۰) مردمی بودن، آشکارترین خصلت انقلاب اسلامی ایران است که در کمتر انقلابی مانند آن وجود دارد، به طوری که تمام ملت ایران در شهر و روستا از کوچک و بزرگ، زن و مرد در آن مشارکت داشتند. برخلاف انقلاب‌های بزرگ دنیا که طبقات خاصی از جامعه در آن نقش دارند. امام خامنه‌ای در بیان دلیل این که مردم صاحبان اصلی نظام و انقلابند این‌گونه می‌فرماید: «مردم صاحبان این نظامند به چند دلیل اولاً: چون اسلام بیشترین حق را در اداره نظام‌های اجتماعی به مردم می‌دهد و هر دستگاه حاکم را یک دستگاه خدمتگزار برای مردم می‌داند. ثانیاً: چون مردم تشکیل‌دهندگان این نظام بودند زیرا این نظام مبتنی بر یک انقلاب بود و آن انقلاب را مردم به وجود آوردند. ثالثاً: زیرا نظارت مردم بیشترین ضمانت را برای حفظ این نظام از انحراف می‌کند.» (بیانات امام خامنه‌ای ۱۳۷۱/۴/۲۲)

ایشان در این باره با بیان دقیق‌تر می‌فرمایند: «وقتی ما مردمی بودن و محور بودن مردم را با اسلام همراه می‌کنیم، ترکیب آن می‌شود جمهوری اسلامی. جمهوری اسلامی یعنی مردم محورند،

اهداف برای مردم است، منافع برای مردم است، اختیار در دست مردم است، این‌ها مردمی بودن است: رأی و خواست مردم، حرکت و عمل مردم، حضور و شرافت مردم در نظام جمهوری اسلامی. این یکی از آن اصولی است که به معنای واقعی کلمه باید به آن معتقد بود.» (فرمایشات امام خامنه‌ای ۱۴/۳/۱۳۹۵) حکومتی که بر اساس چنین شاخصه‌ای بنا شود نه تنها انقلابی است، بلکه انقلابی خواهد ماند. ان شاء الله

۳-۵۲. یقین به پیشروی، تطور و تکامل

توسعه و تطور در معنای کامل، روند سختی است که نمو کمی و کیفی تولیدات، خدمات و تطور کیفیت زندگی، ساختار اجتماعی جامعه، متعادل‌سازی درآمدها، از بین بردن فقر و محرومیت و بیکاری، تأمین رفاه عمومی، رشد علمی و تکنولوژی درون‌زا در یک جامعه مشخص را در برمی‌گیرد. (گلابی، ۱۳۶۸، ص ۲) یقین به پیشروی، تطور و تکامل، اساس دیگر انقلاب اسلامی است که فرد انقلابی به این ارزش معتقد است و هر روز در پی تحول و بهتر شدن اوضاع است. «اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى يُدَبِّرُ الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ» (رعد: ۲) امام صادق علیه السلام در مورد پیشروی انسان‌ها می‌فرماید: «آن‌که پیشرفت را در خود نبیند، به نقصان نزدیک‌تر است و هر که به نقصان نزدیک‌تر باشد، مرگ از زندگی برایش بهتر است.» (ابن بابویه، ۱۳۷۰، ص ۷۶۶) امام خامنه‌ای درباره این اصل انقلاب چنین توضیح می‌دهند: «هم فقه ما هم جامعه‌شناسی ما هم علوم انسانی ما هم سیاست ما، باید روزبه‌روز بهتر شود، ولی به دست آدم‌های خیره به دست کسانی که اهلیت ایجاد راه‌های نور دارند.» (بیانات امام خامنه‌ای ۱۳۹۵/۳/۱۴)

هم‌چنین می‌فرماید: «تحول، سنت الهی است در زندگی بشر. با او سینه‌به‌سینه نباید شد؛ از او استقبال باید کرد. باید تحول را مدیریت کرد تا به پیشرفت برسد؛ جامعه را پیش ببرد... امروز علاوه بر این‌که تشکیل نظام جمهوری اسلامی یک تحول بزرگ، یک پیشرفت عظیم بود که یک حکومت موروثی کودتایی فاسد و وابسته را، یک ملت بتواند تبدیل به یک حکومت مردمی کند، هیچ تحولی از این بالاتر نیست و این، بزرگ‌ترین تحول و پیشرفت بود.» (بیانات امام خامنه‌ای ۱۳۸۶/۲/۲۵)

۳-۲-۴. حمایت و جانب‌داری از محرومان در هر نقطه عالم

جانب‌داری از محرومان و اقشار ضعیف و حمایت از مظلومان جهان نشانه انقلابی بودن، یعنی پایبندی به اصول و مبانی انقلاب است. اگر این پایبندی و مقاومت وجود داشت، حرکت مسئولان و نظام در تندباد حوادث، مستقیم و مستحکم خواهد بود، وگرنه به «عمل‌گرایی افراطی» دچار می‌شویم و با هر حادثه‌ای، مسیر حرکت عوض می‌شود. حضرت علی علیه السلام در نامه به مالک اشتر فرمودند: «اللَّهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى مِنَ الَّذِينَ لَا حِيلَةَ لَهُمْ مِنَ الْمَسَاكِينِ وَ الْمُحْتَاجِينَ وَ أَهْلِ الْبُؤْسَى وَ الزَّمَنِ فَإِنَّ فِي هَذِهِ الطَّبَقَةِ قَانِعاً وَ مُعْتَرِئاً وَ أَحْفَظِ [اللَّهُ] بِلِلَّهِ مَا اسْتَحْفَظَكَ مِنْ حَقِّهِ فِيهِمْ وَ اجْعَلْ لَهُمْ قِسْماً مِنْ بَيْتِ مَالِكَ: خدایا! خدایا! درباره طبقه پایین جامعه در نظر داشته باش، کسانی که راه چاره‌ای ندارند، از تهیدستان و نیازمندان و گرفتاران و زمین‌گیران. در میان آنان افراد قانع و اهل اعلام نیاز وجود دارند، حق الهی را که از تو خواسته است؛ درباره آنان پاس بدار و بخشی از بیت‌المال را برای آنان قرار ده.» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)

امام خامنه‌ای در تکمیل این امر می‌فرماید: «یکی از اصول اساسی و ارزش‌های اساسی نظام اسلامی عبارت است از حمایت و جانب‌داری از محرومان در هر نقطه عالم. این‌ها ارزش‌های اساسی انقلاب است، از این‌ها نمی‌شود صرف‌نظر کرد. اگر کسانی یا جریانی نسبت به محرومین بی‌تفاوت باشد، یا نسبت به مظلومان عالم بی‌تفاوت باشد، این شاخص در او وجود ندارد.» (بیانات امام خامنه‌ای ۱۳۹۵/۳/۱۴)، ایشان پیروی از تعالیم اسلام، حمایت از محرمان، محدود به سرزمین خاصی نکرده بلکه آن را شامل همه عالم دانسته‌اند.

۵-۲. همت بلند در جهت رسیدن به آرمان‌های انقلاب

داشتن همت بلند، پایداری، تحمل سختی، ناملايمات درراه اهداف متعالی، انسان را در برابر تندبادهای ویران‌گر، محکم می‌کند و در اثر این همت بلند، به شیاطین درون و برون پشت پا می‌زند. سفارش قرآن کریم به مؤمنان این است که بر خدا توکل کنند، تنها ولایت او را بپذیرند و از غیر خدا ترسی به خود راه ندهند. خداوند متعال برای مؤمنی که سلطه بیگانه را قبول کند، کرامت و شخصیت قائل نیست. (آل عمران: ۲۸). پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «الاسلام یَعْلُو وَ لَا یُعْلَى عَلَیْهِ وَ الْكُفَّارُ بِمَنْزِلَةِ الْمُؤَقِّ لَایَحْجِبُونَ وَ لَا یُورَثُونَ: اسلام برتر است و بر آن چیزی برتری نخواهد یافت و کافران

به منزله مردگان می باشند و مانع از ارث نمی باشند و ارث نیز نمی برند.» (ابن بابویه، ۱۳۶۹، ج ۴، ص ۱۲۳؛ حرعاملی، ۱۳۸۹، ج ۱۷، ص ۱۴۵)

قرآن مجید از ولایت دشمنان خدا (ممتحنه: ۱)، دوستی غیرمؤمنان (آل عمران: ۱۱۸)، ولایت پذیری کفار (نساء: ۱۳۹؛ مائده: ۵۱؛ براءت: ۲۳؛ ممتحنه: ۹) و منافقان به شدت نهی می فرماید برای این است که در چنان ولایت‌هایی، چون ارزش‌ها حاکم نیست عزتی وجود ندارد. عزت در سایه تحکیم ارزش‌هاست و حاکمیت ارزش‌ها بدون حکومت دینی قابل اجرا نیست. در این باره دومین مؤلفه انقلابی بودن که امام خامنه‌ای می فرمایند، همت بلند در جهت رسیدن به آرمان‌های انقلاب است. بدون شک برای رسیدن به هدف‌های بزرگ، اراده، همت و سعی مضاعف لازم است و گرنه هدف اگرچه والا باشد، دست نیافتنی است. ایشان در این باره می فرمایند: «هرگز منصرف نشویم از رسیدن به اهداف و آرمان‌های بلند، درمقابل فشارها تسلیم نشویم. البته شما وقتی که در یک راه می روید که دشمن بر سر آن هست، برای شما مانع ایجاد می کند، این نباید مانع شود از رفتن شما، از ادامه حرکت شما، تسلیم فشارها نشویم، راضی به وضع موجود نباشیم که اگر رضایت دادیم نتیجه آن عقب‌گرد است.» امام خامنه‌ای در این زمینه پیشرفت‌های بزرگ علمی ایران را در سال‌های اخیر مثال زده و تأکید می‌کند: «اگر به همین اندازه قانع شویم عقب خواهیم ماند، راه پیشرفت تمام شدنی نیست، باید رفت تا رسید به آرمان‌های بلند.» (فرمایشات امام خامنه‌ای ۱۳۹۵/۳/۱۴)

۵-۳. پایبندی به استقلال کشور

مؤلفه دیگری که امام خامنه‌ای (حفظه الله) برای انقلابی‌گری بیان می‌کنند، پایبندی به استقلال در سه بُعد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است. تأکید امام خامنه‌ای بر این ویژگی نشان دهنده اهمیت خاص این مؤلفه است.

۳-۲-۵. استقلال سیاسی

استقلال سیاسی در علوم سیاسی به معنی جدا بودن حاکمیت یک کشور از کشورهای دیگر از نوع سلطه و سیادت خارجی است. استقلال سیاسی به معنای این است که دولت دیگری بر دولت اسلامی سلطه و چیرگی نداشته و نتواند اراده خود را بر امت و دولت اسلامی تحمیل کند. (آقا بخشی، ۱۳۸۹، ص ۱۵۴) به ویژه آن که در نگاه قرآن کریم هیچ انسانی بر انسان دیگر حق ولایت ندارد، تنها خدا

به عنوان مالک و خالق انسان از چنین حقی برخوردار است. «أَمِ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَالَ اللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ وَهُوَ يُحْيِي الْمَوْتَى وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (شورا: ۹ و انعام: ۶۲) اگر برای انسانی حاکمیتی به عنوان حاکمیت طولی بیان شده فقط در ارتباط با افرادی است که به حکم صریح و روشن سلطه داده شده و اطاعت و پیروی از آن‌ها لازم است. «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا» (نساء: ۵۹ و ۶۴) از این رو قرآن ولایت‌های غیرالهی را مردود و از آن به ولایت طاغوت یاد کرده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۱۷۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۳۴۱) امام خامنه‌ای در بیان استقلال سیاسی می‌فرماید: «معنایش این است که در زمینه سیاسی فریب نخوریم، در هر موقعیتی مراقب استقلال داخلی، منطقه‌ای و جهانی باشیم. دشمن هدفش این است که دولت و ملت‌ها را به دنبال خود بکشاند، به شیوه‌های مختلفی متوسل می‌شود. این جور نیست که همیشه با تهدید حرف بزنند، گاهی هم با تملق حرف می‌زنند، گاهی به انسان نامه می‌نویسند که شما بیایید با ما که در آمریکا هستیم مسائل جهانی را با مشارکت همدیگر حل کنیم، ولی باطن قضیه این نیست باطن قضیه این است که نقشه‌ای دارند؛ می‌گویند شما بیا در نقشه و میدانی که ترسیم کرده‌ایم بازی کن؛ نوع بازی را هم او معین می‌کند. تا آن اهدافی که برایش نقشه کشیده تحقق پیدا کند.» (بیانات امام خامنه‌ای ۱۳۹۵/۳/۱۴)

ایشان درباره مراقبت از استقلال سیاسی، اصرار آمریکایی‌ها به جمهوری اسلامی ایران برای همکاری در بحران سوریه را مثال زده و فرمودند: «به همین دلیل ما در مسأله سوریه و مسائل شبیه به آن حاضر نشدیم در اتحاد به اصطلاح آمریکایی شرکت کنیم، زیرا می‌دانستیم آن‌ها می‌خواهند از قدرت و نفوذ ما و دیگر کشورها در تحقق اهدافشان استفاده کنند. این نوع کارها که در ظاهر مخالفتی با استقلال ندارد در عمل به معنای پرکردن جدول کاری دشمنان است و در حقیقت ضد استقلال است. آن‌ها نقشه‌ای دارند، هدف‌هایی ترسیم کردند، می‌خواهند به آن هدف‌ها برسند و البته مایل هستند از نیرو و نفوذ هر کشور استفاده کنند، از جمله جمهوری اسلامی ایران. اگر جمهوری اسلامی خام شود و وارد بازی بشود، معنایش این است که نقشه آن‌ها را کامل کرده است. این خلاف استقلال است، این به ظاهر چیزی نیست که دولت یا کسی بیاید بر کشور حکومت کند که بگوییم استقلال کشور از بین رفت ولی ضد استقلال سیاسی است.» (بیانات امام خامنه‌ای ۱۳۹۵/۳/۱۴)

۳-۲-۶. استقلال فرهنگی

دومین مؤلفه استقلال، اهمیت بی‌مانند «استقلال فرهنگی» است. انقلابی‌گری یعنی «انتخاب سبک زندگی ایرانی اسلامی» و «پرهیز جدی از تقلید از غرب و بیگانگان» باید دقت کرد ابزارهای جدید در فضای مجازی ابزارهایی برای «مهندسی اطلاعات» و «تسلط غرب بر فرهنگ ملت‌هاست». «قل للمؤمنین لا تلبسوا لباس اعدایی» این ابزارها می‌توانند مفید باشند ولی باید سلطه دشمن را از آن‌ها سلب و به گونه‌ای عمل شود که فضای مجازی به وسیله‌ای برای سلطه فرهنگی دشمن تبدیل نگردد. اسلام دینی است که بر افکار و عقاید بنا شده و به همین علت انقلاب اسلامی، استقلال فرهنگی را بسی مهم می‌داند. امام خامنه‌ای در تعریف فرهنگ می‌فرماید: فرهنگ مثل آب و هواست. فرهنگ یعنی همین آداب و رسومی که بر زندگی من و شما حاکم است. فرهنگ یعنی باورها و اعتقادات ما و چیزهایی که زندگی شخصی و اجتماعی در خانه و محیط کسب یک جامعه با آن‌ها روبه روست. جمهوری اسلامی، فرهنگ غربی را رد نمود و گفت ما فرهنگ مستقل اسلامی داریم. اسلام تکلیف مسلمانان را در معاشرت در کیفیت زندگی فردی، خورد و خوراک، لباس پوشیدن، درس خواندن، روابط با حکومت، در روابط با یکدیگر مشخص کرده است. ما نمی‌خواهیم این‌ها را از غربی‌ها یاد بگیریم و از آنان تقلید کنیم. جمهوری اسلامی از اول این را نشان داد. (دفتر مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶، ص ۵۱ و ۵۰) ایشان همچنین می‌فرمایند: «استقلال فرهنگی در این است که سبک زندگی را سبک زندگی اسلامی - ایرانی انتخاب کنیم. تقلید از غرب و بیگانه در سبک زندگی درست نقطه مقابل استقلال فرهنگی است.» (بیانات امام خامنه‌ای ۱۳۹۵/۳/۱۴)

ایشان سال‌هاست خطر تهاجم فرهنگی غرب را تذکر می‌دهند و تهاجم فرهنگی را «یک مجموعه سیاسی یا اقتصادی برای رسیدن به اهداف خاص خود و اسارت یک ملت است که به پایه‌های فرهنگ آن ملت هجوم می‌برد». «وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمَنُوا بِالَّذِي أُنزِلَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَجَّهَ النَّهَارِ وَاسْكُرُوا آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (آل عمران: ۷۲) در این هجوم باورهای تازه را به زور و به قصد جایگزین بر فرهنگ و باورهای ملی آن ملت وارد می‌سازند، تعریف می‌نمایند. (بیانات امام خامنه‌ای ۱۳۷۷/۵/۲۱)

به عنوان نمونه ایشان درباره اثر وسایل ارتباط جمعی چنین هشدار می‌دهند: «بنده نمی‌خواهم بگویم این ابزارها را از زندگی مان خارج کنیم، نه این‌ها ابزارهایی هستند که می‌توانند مفید واقع

شوند، ولی سلطه دشمن را از این ابزارها باید سلب نمود. شما نمی‌توانید برای این‌که فرض بفرمایید رادیو و تلویزیون داشته باشید، رادیو تلویزیونتان را بدهید در اختیار دشمن، اینترنت هم همین جور است فضای مجازی هم همین‌طور است، دستگاه‌های اطلاعاتی و ابزارهای اطلاعاتی هم همین جور، این‌ها را نمی‌شود در اختیار دشمن قرار داد، امروز در اختیار دشمن است، ابزار نفوذ فرهنگی دشمن است.» (بیانات امام خمین‌ای ۱۳۹۵/۳/۱۴)

۳-۲-۷. استقلال اقتصادی

استقلال اقتصادی به معنی خودبستگی در رفع نیازهای اساسی و جلوگیری از سلطه کشورهای دیگر بر اقتصاد کشور است که از آثار آن، عدم تأثیرپذیری وسیع از نوسانات و مخاطره اقتصادی در سطح جهان و اثبات ارزش پول و نداشتن اقتصاد تک محصولی است. (روزبهان، ۱۳۸۵، ص ۷) یک کشور تا زمانی که از نظر اقتصادی وابسته باشد، نمی‌تواند به خوبی استقلال سیاسی و فرهنگی خود را حفظ نماید. لذا استقلال اقتصادی نقش مهمی در حفظ استقلال و عزت یک ملت دارد. امام خمین‌ای استقلال اقتصادی را «هضم نشدن در هاضمه اقتصاد جامعه جهانی» تعریف می‌نماید و در مورد ماهیت این اقتصاد این‌گونه توضیح می‌دهند: «آیا اقتصاد جامعه جهانی یک نظم عادلانه و منطقی و عقلانی است؟ ابداً. اقتصادی که نقشه آن را جامعه جهانی کشیده و مظاهر مختلف آن در همه دنیا گسترده است، عبارت است از نظامی که سرمایه‌داران عمدتاً صهیونیستی و یا غیرصهیونیستی برای تصاحب منابع مالی همه دنیا طراحی کرده‌اند. این نظم جامعه جهانی و اقتصاد جهانی است. این‌که یک کشور اقتصادش را ادغام کند در اقتصاد جهانی افتخار نیست، بلکه خسارت است، این ضرر و شکست است.» اما یک کشور چگونه می‌تواند به استقلال اقتصادی دست یابد؟» (فرمایشات امام خمین‌ای ۱۳۹۵/۳/۱۴)

ایشان بارها پاسخ این سؤال را مطرح و فرمودند: «استقلال اقتصادی تنها با اقتصاد مقاومتی بدست می‌آید. اقتصادی که بر پایه تولید داخلی و همکاری با دیگران بوده و در شرایط فشار و تحریم، در شرایط دشمنی و خصومت‌های شدید می‌تواند تعیین‌کننده نمو و شکوفایی کشور باشد.» (همان) «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا...» (نساء: آیه ۵)

۴-۵. حساسیت در مقابل دشمن

سستی در برابر دشمن که از هر فرصت برای ضربه زدن استفاده می‌کند باعث نابودی دین و مؤمنان می‌شود. بر این اساس است که خداوند متعال جهاد را یکی از واجبات قرار داده و به پیامبر دستور داد تا بر دشمنان سخت گرفته و با آن‌ها جهاد کند: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ» ای پیامبر! با کافران و منافقان جهاد کن و بر آن‌ها سخت‌گیر. (توبه: ۷۳) حساسیت در مقابل دشمن چهارمین مؤلفه‌ای است که امام خامنه‌ای برای یک شخص انقلابی مطرح نمودند. حساسیت در برابر دشمن به این معناست که چون جبهه جنگ باید هر حرکت دشمن را نظارت و ریشه‌یابی کرد، اهداف او را شناخت و با حساسیت لازم در برابر زهر احتمالی فعالیت‌های دشمن، پادزهر تهیه کرد. معظم له در تشریح این امر می‌فرماید: «دشمن را بشناسیم، نقشه‌های او را تشخیص دهیم، بر روی کارهای او حرف‌های او حساس باشیم و در مقابل زهری که او احتمالاً خواهد ریخت، پادزهر فراهم کنیم و آماده باشیم برای این که حرکت او را خنثی کنیم. این حساسیت در مقابل دشمن است.» (بیانات امام خامنه‌ای ۱۳۹۵/۳/۱۴)

ایشان ضمن انتقاد از محدود افرادی که وجود دشمن را انکار می‌کنند و آن را توهم توطئه می‌دانند به ذکر نمونه‌هایی از دشمنی نظام سلطه با انقلاب اسلامی و دیگر انقلابیون پرداخته، می‌فرمایند: «ذات نظام سلطه اقتضا می‌کند که با نظامی مانند نظام جمهوری اسلامی دشمن باشد، منافعی ۱۸۰ درجه با یکدیگر متفاوت است. انکار دشمنی‌های عمیق، مستمر آمریکا با جمهوری اسلامی و ملت ایران، نیرنگی است برای کاهش حساسیت‌ها در مقابل شیطان بزرگ؛ زیرا خصومت آمریکا با انقلاب، ذاتی و نظام سلطه اهل خیانت است، اهل جنگ افروزی و ایجاد سازماندهی گروه‌های تروریست است، اهل سرکوب نمودن گروه‌های آزادی خواه است، اهل فشار بر مظلومی - مانند فلسطین و امثال آن - است، این طبیعت نظام سلطه است.» (همان)

امام خامنه‌ای در روشن کردن دشمنی‌های استکبار به نیرنگ‌هایی چون اشغال فلسطین، حمایت از کشتار مردم یمن، پشتیبانی از رژیم استبدادی شاه در ایران، کمک به صدام دیکتاتور عراق برای حمله به ایران و مانند آن اشاره کرده و نتیجه می‌گیرند که: «هر فرد و جریانی که برای اسلام و به نام اسلام کار کند، اگر به آمریکا اعتماد کند، خطای بزرگی مرتکب شده و سیلی‌اش را

می‌خورد؛ کما این‌که خوردند. در همین چند سال اخیر جریان‌های اسلامی منطقه به اسم «عقل سیاسی» و «تاکتیک» با آمریکایی‌ها همکاری کردند، با آنان رفیق و اعتماد کردند، اما اکنون چوب اعتماد به شیطان بزرگ را خوردند و حالا دارند مصیبت‌هایش را طاقت بیاورند. باید در برابر دشمنان حساس و در مقابل هر پیشنهاد آن‌ها از جمله نسخه‌های سیاسی و اقتصادی احتیاط کرد که اگر این حساسیت باشد، «عدم تبعیت» نیز به دنبالش خواهد آمد که این همان «جهاد کبیر» است. (بیانات امام خامنه‌ای ۱۳۹۵/۳/۱۴) خداوند متعال می‌فرماید: ﴿فَلَا تُطِيعُ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا﴾ (فرقان: ۵۲) با توجه به دیدگاه مفسران در تفسیر، مرجع ضمیر «به»، به «قرآن» بر می‌گردد. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۵، ص ۱۲؛ طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۹، ص ۲۷۹) امام خامنه‌ای نیز با توجه به این تفاسیر می‌فرماید: «عدم‌الاطاعه شد جهاد کبیر؛ جهاد کبیر یعنی جهاد برای عدم تبعیت برای عدم دنباله‌روی از دشمن؛ یعنی مسیر انقلابی و انقلابی‌گری، تعقیب راه انقلاب، تحکیم اسلام، تحکیم دین خدا. (بیانات امام خامنه‌ای ۱۳۹۵/۳/۶ و ۱۳۹۴/۳/۶)

۵-۵. تقدس دینی و سیاسی

از خصلت‌های لازم برای یک انقلابی‌مسلمان، بی‌تردید، تقدس دینی و سیاسی است که امام خامنه‌ای به عنوان پنجمین مؤلفه انقلابی‌گری بیان می‌کنند. تقدس دینی یعنی سعی و مراقبت برای رسیدن به همه اهدافی که اسلام برای جامعه معین کرده است. در این باره نباید به محاسبه صرفاً عقلانی تکیه نمود، زیرا پیگیری این اهداف، تکلیف دینی است و هرکس اسلام را از حوزه‌های اجتماعی و سیاسی جدا کند، دین مبین خدا را نشناخته است. اگر تقدس دینی حاصل شود، تقدس سیاسی هم ایجاد می‌شود و انسان را در «لغزش‌گاه‌های سیاسی و مسئولیتی» حفظ می‌کند. ایشان این ویژگی را چنین توضیح می‌دهند: «یک تقوای فردی داریم که من و شما از گناه پرهیز کنیم، خودمان را حفظ کنیم: ﴿قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ﴾ (ترحیم: ۶) خودمان را از آتش دوزخ الهی، از آتش غضب الهی دور کنیم، این تقوای فردی است. تقوای اجتماعی - تقوای اسلامی مربوط به اجتماع - این است که در راه تحقق چیزهایی که اسلام از ما مطالبه کرده، تلاش کنیم.» هم‌چنین با نگاه وضع جوامع بشری می‌توان گفت علت بسیاری از مشکلات در حوزه سیاسی و اجتماعی، نبود تقوا و تقدس است. تقدس سیاسی نیاز اساسی جوامع بشری است، زیرا با فقدان

تقدس سیاسی، مسئولان در مسیر سوءاستفاده از قدرت قرار می‌گیرند که از سوی مردم به عنوان امانت در اختیارشان گذاشته شده است. اگر در جامعه‌ای، تقدس سیاسی در بین مسئولان رعایت شود، مردم جامعه نیز در مسائل دیگر، تقدس اجتماعی را پیش می‌گیرند و جامعه به سوی امنیت و آرامش سوق داده می‌شود. (دلشادتهرانی، بی‌تا، ص ۹۹)

امام خامنه‌ای سعی برای رسیدن به خواسته‌ها و آرمان‌های اسلامی هم‌چون عدالت اجتماعی، حمایت از محرومین و مظلومین، مقابله با ظلم و استکبار را تکلیف دینی و تقوای الهی می‌دانند و می‌فرمایند: «الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا» (نساء: ۷۶) این‌ها دستور قرآن است. این‌که ما خودمان، مردمان، جوانانمان و مسئولینمان را به احساس مسئولیت در مقابل این حرف‌ها فرامی‌خوانیم، فقط یک سفارش عقلانی نیست، اگر چنان‌چه تقدس دینی تحقق یافت، تقدس سیاسی هم همراهش است. تقدس سیاسی یعنی انسان از لغزش‌گاه‌هایی که دشمن می‌تواند از آن استفاده کند، پرهیز کند.» (سفارشات امام خامنه‌ای ۱۳۹۵/۳/۱۴)

۶. نتیجه‌گیری

۱. نظام جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر تعالیم اسلام ناب محمدی ﷺ است و بر هویت اسلامی خود اتکا دارند که هضم شدن در نظام جهانی عملاً این هویت او را از بین خواهد برد.
۲. امام خامنه‌ای به‌طور مکرر و در مقاطع مختلف بر این نکته تأکید کردند که انقلاب و حرکت انقلابی باید باقی بماند. عباراتی چون «من انقلابی‌ام»، «در مقابل جریان غیرانقلابی داخل نظام باید ایستاد» و... جملاتی هستند که همگی بر تداوم حرکت‌های انقلابی و دوری از محافظه‌کاری تأکید دارد.
۳. امام خامنه‌ای مخالفت با انقلاب و اصول انقلابی را گاه به صراحت، مخالفت با اصل انقلاب دانسته و گاه غیرمستقیم موجب مخالفت با اصول اعتقادی انقلاب می‌شود که باید در این باره حساس و هوشیار بود.
۴. ایشان مؤلفه‌های انقلابی‌گری و انقلابی‌ماندن، مانند پایبندی به شایستگی‌ها و اصول بنیادی انقلاب؛ هدف‌گیری آرمان‌های انقلاب و همت بلند در جهت رسیدن به آن‌ها، پایبندی به

استقلال همه جانبه کشور، حساسیت در مقابل دشمن و عدم تبعیت از او، تقدس دینی و سیاسی و... را در این زمینه، بارها مطرح کرده‌اند.

۵. بر اساس مؤلفه‌های انقلابی‌گری است که فضایل اخلاقی در جامعه رشد کرده و پایدار می‌شوند. هم‌چنین قرار دادن این شاخصه‌ها به عنوان الگو و شیوه اشخاص انقلابی، موجب می‌شود از ایجاد دو قطبی کاذب در جامعه جلوگیری و خط‌کشی انقلابی بودن یا غیرانقلابی بودن به جای آن قرار می‌گیرد.

۶. نگرانی امام خامنه‌ای در این باره، به جهت موقعیت حساس جمهوری اسلامی ایران که ملاک جامعه جهانی و امت‌ها و ملت‌های انقلابی است، است.

۷. امروزه نیروهای مذهبی و حزب‌اللهی با همه وجود در میدان هستند و هرگاه زمینه‌ای به وجود آید که دفاع از مرزها حتی در سرزمین همسایه هم لازم باشد، نیروهای انقلابی در میدان حاضر و در صف اول قرار گرفته و هرگز کسانی را که نگاه اشرافی‌گرایانه و غرب‌پرستانه دارند، در این میداين مشاهده نتوان کرد. این روحیه انقلابی‌گری است که موجب این شور و حرارت شده و گرنه روحیه غیرانقلابی، فاقد این حرارت است.

۸. ضربه زدن به این صنف از جامعه، ضربه به حافظان انقلاب و استعدادهای واقعی کشور است. پس به جای موضع‌گیری تضادگونه در مقابل این قشر بزرگ و روحیه «انقلابی» را مساوی با تندروی و افراطی‌گری القا کردن و دیدگاه‌های مبتنی بر ایستادگی در برابر نظام سلطه رازش و ضد ارزش جا انداختن که کاملاً مباین با روحیه انقلابی‌گری و انقلابی ماندن است، دوری کرده تا با خطر انقلاب زدایی رو به رو نشویم.

فهرست منابع

- قرآن کریم: ترجمه محمدکاظم معزی (۱۳۷۸ ش). تهران: صابرين، چاپ چهارم.
۱. صبحی صالح (۱۴۱۴ ق). نهج البلاغه، قم: هجرت، چاپ اول.
 ۲. ابن بابویه، محمدبن علی (صدوق)، (۱۳۷۰ ش)، امالی، تهران: کتابچی.
 ۳. _____ (۱۳۶۷ ش)، من لایحضره الفقیه، تهران: صدوق.
 ۴. ابن طاوس، علی بن موسی، (۱۳۴۱)، کشف المحجّة لثمره المهجه، تهران: مرتضوی.
 ۵. آقابخشی، علی اکبر، مینو افشاری راد، (۱۳۸۹ ش)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: چاپار.
 ۶. بادامچیان، اسدالله، (۱۳۷۴)، شناخت انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، تهران: دانشگاه آزاد.
 ۷. حرعالمی، محمد بن حسن، (۱۳۸۹ ش)، وسائل الشیعه فی تحصیل مسائل الشریعه، مشهد: آستان قدس رضوی.
 ۸. خمینی، روح الله، (۱۳۸۵ ش)، حکومت اسلامی، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، چاپ سیزدهم.
 ۹. _____ (۱۳۸۶ ش)، صحیفه نور، مرکز تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، تهران.
 ۱۰. دفترمقام معظم رهبری، (۱۳۷۶ ش)، حدیث ولایت: مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری از ارتحال تا اربعین امام خمینی علیه السلام، تهران.
 ۱۱. دلشادتهرانی، مصطفی، (بی تا)، سیره پیشوایان دینی، تهران: دانشکده مجازی علوم حدیث.
 ۱۲. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۴۶ ش)، فرهنگ دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.
 ۱۳. روزبهان، محمود، (۱۳۸۵ ش)، اقتصاد چیست، نشر آفتاب. چاپ ششم.
 ۱۴. زاهدی، سعید، (۱۳۹۱ ش)، ماضی استمراری: سلفی گری در جهان اسلام از وهابیت تا القاعده، تهران: عابد.
 ۱۵. سالاری سه‌دران، مریم، عباس، کاکائی باغچه‌میشه، (۱۳۹۲ ش)، اصولگرایی در اندیشه امام خمینی علیه السلام، تهران: موسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
 ۱۶. سید قطب، (۱۳۷۰ ش)، ما چه می‌گوییم، ترجمه: سیدهادی خسروشاهی، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
 ۱۷. طباطبایی، محمدحسین، (۱۴۱۷ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفترانتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ پنجم.
 ۱۸. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۶۰ ش)، مجمع البیان، تهران.
 ۱۹. قرآنی، محسن، (۱۳۷۵ ش)، تفسیر نور، تهران.
 ۲۰. گلابی، سیاوش، (۱۳۶۸ ش)، فرایند توسعه و نظام آموزش در جامعه ایران، تهران: میترا.
 ۲۱. مردی‌ها، مرتضی، (۱۳۸۵ ش)، مبانی نقد فکر سیاسی، تهران: نشر نی.
 ۲۲. مطهری، مرتضی، (۱۳۶۱ ش)، تجلی پیام، تهران: صدرا.
 ۲۳. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، (۱۳۷۴ ش)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 ۲۴. نشریه حکومت اسلامی، (۱۳۷۸ ش)، نقش مردم در دولت اسلامی از دیدگاه رهبرمعلم انقلاب، سال دوازدهم.
 ۲۵. سایت امام خامنه‌ای www.khamenei.ir